

Original Article

Ethical Criticisms to Minors' Marriage from the Perspective of the Individual and Social Life's Principles

Rasool Zamani¹, Alireza Saberian^{2*}, Mohammad Rouhani Maghaddam³

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author) Email: Ali1341ali@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 8 Jul 2020 Accepted: 16 Oct 2020

Abstract

Background and Aim: As one of the essential pillars of the family system, marriage possesses a significant position in the Islamic verdicts and teachings. In the same line, minors' marriage contract is one of the different aspects of marriage contract and it has been opposed and defended by many persons. However, the primary goal of this research is ethical criticism of minors' marriage which will be explored from various sexual, physical, individual and social aspects. The question that can be asked is that what are the most important ethical criticisms that can be imposed onto the minors' marriage from the perspective of the ethical principles of the individual and social life?

Materials and Methods: The study is a descriptive-analytical research and legal texts, articles and books, documents, hadiths and holy Quran's ĀYĀT have been used as the sources of information gathering.

Findings: Because of creating full-scale obligations and difficulties for minors, their marriage contracts cannot be signed in adherence to the ethical principles. Moreover, due to the violation of some of the marriage conditions, including the minors' lack of recognition and awareness about marital life, insufficient ability for selecting the fitting spouses, not having a proper plan for rearing children and difficulty in becoming obedient to the husband, such a marriage contract breaches the ethical principles hence not absolutely defensible.

Conclusion: Teaching the women and girls as well as the society as a whole about the physical, psychological and mental consequences of the minors' marriage can clarify the detrimental and unethical outcomes of the minors' marriage. Furthermore, we are in need of new regulations that can defend the rights of the girls and children who enter marriage contracts under the family's coercion or their own unawareness. Prohibition of the minors' marriage can prevent some of the sexual misuses of the children and consideration of these issues should actually lead to the observance of the individual and social ethical principles.

Keywords: Ethics; Marriage Contract; Minors' Marriage; Individual and Social Life

Please cite this article as: Zamani R, Saberian A, Rouhani Maghaddam M. Ethical Criticisms to Minors' Marriage from the Perspective of the Individual and Social Life's Principles. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 311-322.

نقدهای اخلاقی به نکاح صغیره از منظر اصول زندگی فردی و اجتماعی

رسول زمانی^۱، علیرضا صابریان^{۲*}، محمد روحانی مقدم^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Ali1341ali@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: عقد نکاح به عنوان یکی پایه‌های اساسی نظام خانواده، جایگاه مهمی در احکام و آموزه‌های اسلامی دارد. در همین راستا، عقد نکاح صغیره یکی از ابعاد متفاوت عقد نکاح است که موافقان و مخالفان زیادی دارد. با این حال، هدف اصلی پژوهشی حاضر، نقد اخلاقی نکاح صغیره است که از جنبه‌های مختلف جنسی، جسمی، فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤالی که مطرح می‌شود این است: مهم‌ترین نقدهای اخلاقی وارده بر نکاح صغیره از منظر اصول اخلاق زندگی فردی و اجتماعی کدام هستند؟

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که متون حقوقی، مقالات و کتب، اسناد، احادیث و آیات قرآن را به عنوان منبع گردآوری اطلاعات انتخاب نموده است.

یافته‌ها: عقد نکاح با توجه به این‌که تکلیف و دشواری همه‌جانبه‌ای برای صغیره می‌آفریند، نمی‌تواند واجد اصول اخلاقی باشد. همچنین نکاح صغیره به دلیل نقض برخی شرایط نکاح از جمله فقدان آگاهی و شناخت صغیره از زندگی زناشویی، نبود توانایی کافی جهت انتخاب همسر مناسب، عدم برنامه‌ریزی برای پرورش فرزندان و همچنین مطیع و منقاد ساختن صغیره در برابر زوج، ناقض اصول اخلاقی است و نمی‌تواند به طور مطلق قابل دفاع باشد.

نتیجه‌گیری: آموزش زنان و دختران جامعه و همچنین آگاه‌سازی جامعه از تبعات جسمی، روحی و روانی نکاح صغیره می‌تواند آثار زیان‌بار اخلاقی نکاح صغیره را روشن نماید. همچنین از منظر حقوقی، قوانین حقوقی جدیدی نیاز داریم که بتواند از حقوق دختران و کودکانی که تحت شرایط اجبار خانواده و یا عدم آگاهی اقدام به ازدواج می‌نمایند، دفاع کند. ممانعت از نکاح صغیره می‌تواند باعث جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌های جنسی بر علیه کودکان شود که توجه به این مسائل به مثابه رعایت اصول اخلاق فردی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: اخلاق؛ عقد نکاح؛ نکاح صغیره؛ زندگی فردی و اجتماعی

مقدمه

ازدواج و یا معادل عربی آن نکاح، به عنوان یکی از امور اجتماعی دارای پشتوانه عقلانی و دینی است. عقلانی از آن جهت که یکی از عوامل تشکیل خانواده، مرتفع نمودن نیازهای جنسی و همچنین بقاء نسل است؛ دینی نیز از آن جهت که یکی از توصیه‌های مهم آیات و روایات در قرآن کریم و حتی سایر کتب و ادیان الهی است. علاوه بر این، نهاد ازدواج به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در نظر گرفته می‌شود که مسؤولیت‌های مختلفی بر عهده طرفین ازدواج ایجاد می‌نماید. با توجه به این که، نظام‌های حقوقی مختلفی در جهان دیده می‌شود، رویکردهای مختلفی نیز نسبت به ازدواج، نحوه تدوین قواعد مربوط به آن و همچنین رابطه زوجین مطرح شده است. با این حال، در دین اسلام با توجه به رویکرد منحصر به فردی که نسبت به نهاد خانواده دارد، اهمیت و جایگاه ازدواج به عنوان یک امر مهم مورد توجه است و همچنین حقوق زوجین را مورد توجه خاصی قرار داده است. از این رو احکام اسلامی و رویکرد فقها و اسلام‌شناسان سرشار از دیدگاه‌هایی است که درصدد برطرف ساختن موانع موجود بر سر راه ازدواج هستند و علاوه بر این، نگاه ابزاری و قراردادی به ازدواج ندارند و درصدد اخلاقی کردن محیط خانواده و اجتماع هستند که بخش مهمی از آن نیز توسط نکاح انجام می‌شود.

یکی از مصادیق ازدواج که غالباً با مخالفت‌های زیادی نیز رو به رو می‌شود، ازدواج کودکان است که در اصطلاح فقهی با عنوان نکاح صغیره از آن یاد می‌شود. کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، اما ممکن است تحت تأثیر شرایط مکانی و جغرافیایی، رشد و فیزیولوژی بدنی، قوانین و قواعد حقوقی و همچنین عوامل ایدئولوژیکی و مذهبی اقدام به ازدواج نمایند، اما در هر صورت به دلیل آنکه وارد یک رابطه حقوقی می‌شوند، تحت عنوان ازدواج از آنان یاد می‌شود (۵). با این حال، مجموعه احکام اسلام، ازدواج‌ها را به صورت خاص و با در نظر گرفتن شرایط سنی، عوامل مؤثر و شروط مرتبط با آنان مورد توجه قرار می‌دهند و نسبت به این مسأله بی‌توجه نیستند و رویکردهای اخلاقی، نگاه خاصی نسبت به این مسأله دارند تا جایی که مجموعه‌ای از دیدگاه‌های اخلاقی از حیث دینی،

پزشکی، فردی و اجتماعی در نقد عقد نکاح صغیره بیان شده است. در همین راستا و با توجه به نگاه خاص حقوق بشری به حقوق کودکان از جمله دختران، اهمیت دین اسلام به سالم بودن کانون خانواده و همچنین توجه قانونگذار به حقوق زنان از جمله صغیره، ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان نموده است. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است تا از جنبه‌های مختلف، از جمله نگاه احکام اسلام به نکاح و به ویژه نکاح صغیره، رویکرد پزشکی به مسائل نکاح و همچنین آثار فردی و اجتماعی نکاح صغیره، ملاحظات اخلاقی عقد صغیره و... به نقد نکاح صغیره از منظر اخلاقی بپردازد. روشن است که علت اصلی پرداختن به این مسأله، وجود نکاح صغیره در برخی از فرهنگ‌ها و جوامع از جمله جوامع اسلامی و حمایت و یا سکوت برخی قوانین از این عمل است.

مبانی نظری؛ اهمیت و اهداف ازدواج در اسلام

دین اسلام کامل‌ترین ادیان است و از این رو توجه به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، بیان هدف زندگی و تعیین مصادیق حقوق و تکالیف به عنوان محورهای اساسی احکام اسلامی شمرده می‌شوند. درباره موضوع ازدواج، حقوق و تکالیف مربوط به آن و همچنین تنظیم روابط زوجین نیز احکام خاصی را بیان کرده است. موضوع جفت‌بودن موجودات جهان یکی از براهین خداشناسی است، چه این که در میان دو چیز تا یک نوع ارتباط و احتیاج وجود نداشته باشد، نمی‌تواند جفت یکدیگر باشند و این جفت‌بودن به دلیل آن است که آفریننده حکیم و توانا با قدرت و حکمت خود این دو موجود را با هم هماهنگ کرده است تا جفت هم باشند (۷). از همه مهم‌تر، جفت‌شدن انسان‌ها در قالب جنس‌های مخالف به معنای آغاز یک رابطه مهم و مؤثر در زندگی انسانی است که از آن با عنوان ازدواج یاد می‌شود. در قرآن کریم، آیات و روایات و همچنین سیره پیامبر گرامی اسلام (ص)، توصیه‌های زیادی درباره انجام عمل ازدواج و همچنین نحوه انجام صحیح این سنت الهی بیان شده است. با این اوصاف، بخش مهمی از آیات قرآن کریم که به مسأله «جفت‌بودن» و یا «جفت‌شدن»

اشاره می‌کنند، به طور مشخص بر روابط زناشویی و امر ازدواج تأکید می‌کنند. از جمله در آیات زیر که چنین بیان شده است: «وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا؛ ما شما را جفت آفریدیم»، «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا...؛ خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، سپس شما را به صورت زوج‌هایی قرار داد...»، «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد...» (۸).

با بهره‌گیری از آیات فوق می‌توان گفت که ازدواج یک سنت الهی است، اگرچه امروز مسأله ازدواج آن قدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب‌العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان درآمده است، ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقای نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد. اسلام که هماهنگ با آفرینش گام برمی‌دارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و مؤثری دارد (۹). علاوه بر این، در مسأله ازدواج، اهداف متعددی و مؤثری وجود دارد که علاوه بر جنبه‌های عینی و آشکار، دارای جنبه‌های پنهان و نامحسوسی نیز می‌باشد. جنبه‌های آشکار ازدواج، زندگی مشترک میان زن و مرد است که در قالب رفتارهای فردی و اجتماعی دیده می‌شود؛ جنبه‌های نامحسوس نیز بر سبک زندگی مبتنی بر آرامش و همچنین ایجاد الفت و محبت در میان دو نفر است.

یکی از اهداف ازدواج، ارضای نیازهای عاطفی انسان است احتیاج فطری انسان به مؤانست و داشتن رابطه صمیمانه و بسیار نزدیک با هم‌نوع خود در تمام زمینه‌های حیات از مسائلی است که در امر ازدواج مورد توجه اسلام بوده و خداوند برای زن و مرد در رابطه زناشویی احتیاج عاطفی به داشتن تکیه‌گاهی برای کسب آرامش و ارتباط روحی و جسمی قرار داده و تجمع انسانی جهت تطابق با محیط از همین نیرو کمک می‌گیرد. همچنین در اهمیت ازدواج و اهداف دیگر آن می‌توان گفت که بقای نوع بشر یکی از اهداف مهم دین اسلام می‌باشد و استمرار بقای نوع در استقرار نهاد خانواده از طریق ازدواج ممکن می‌باشد.

در نهایت این‌که، ازدواج نیز همانند سایر نهادهای اجتماعی، دارای مجموعه مشخصی از حقوق و قوانین است که با عنوان حقوق قانونی شناخته می‌شوند. حقوق قانونی، حقوقی است که اگر هر یک از طرفین رعایت نکنند، طرف دیگر می‌تواند به حکم قانون، مثلاً به دادگاه مراجعه کند و از او بازخواست کند و او را به ادای آن حقوق ملزم نماید (۷). حقوق مذکور که در عقد نکاح جاری می‌شود، مشمول قواعد حقوقی ازدواج است که در صورت نقض و یا نادیده گرفتن آن توسط یکی از طرفین، قابل پیگیری است. با این حال، علاوه بر ابعاد قانونی که میان زن و شوهر دیده می‌شود، ابعاد اخلاقی مهمی نیز در زندگی زناشویی وجود دارد. از این منظر، حقوق اخلاقی به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که هر یک از زن و شوهر به حکم اخلاق و فرهنگ اسلامی موظفند که آن‌ها را ادا کنند و اگر ادا نکردند، طرف دیگر قانوناً نمی‌تواند او را ملزم کند، اما خوشی زندگی از میان می‌رود (۷)، یعنی نوعی روابط غیر رسمی مبتنی بر آرامش و الفت نیز وجود دارد که با رعایت حرمت و حقوق طرف مقابل انجام می‌شود و صمیمیت، طراوت و تنوع را به زندگی زناشویی می‌آورد و از بین رفتن آن می‌تواند عواقب ناگواری در پی داشته باشد.

نکاح صغیره یکی از جلوه‌ها و مصادیق نکاح در اسلام است که در واقع با شرایط و ملاحظات خاصی انجام می‌شود و موافقان و مخالفان زیادی نیز دارد. این عمل که قوانین مربوط به آن، بارها مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت، در نهایت پس از تغییرات زیاد در ماده ۱۰۴۱ ق.م. بدین ترتیب اصلاح شد که امروزه به عنوان مبنای قانونی برای ازدواج صغیره در نظر گرفته می‌شود. مطابق این قانون: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

در هر صورت، با توجه به این‌که، مسأله ازدواج در دین اسلام بسیار حائز اهمیت است، اما این‌که دختران در چه سنی می‌توانند نسبت به ازدواج اقدام نمایند، اختلاف نظرهای گسترده‌ای دیده می‌شود. یکی از این مسائل که محل اختلاف است، مسأله نکاح صغیره است که مخالفان و موافقانی دارد. در

اینجا به برخی از مهم‌ترین استدلال‌های موافقان و مخالفان نکاح صغیره پرداخته می‌شود.

موافقان نکاح صغیره

۱- ازدواج؛ تکلیفی اخلاقی و همگانی

اولین و مهم‌ترین استدلال موافقان نکاح صغیره، رعایت احکام شرعی و انجام سنت رسول اکرم (ص) است. با توجه به این‌که، آموزه‌های دین اسلام، همواره ازدواج را به عنوان امری شایسته مورد توجه قرار می‌دهند، برخی از این مسأله به نفع نکاح صغیره نیز استدلال می‌کنند. بنابراین اصل ازدواج به عنوان امری اخلاقی مورد توجه آموزه‌های اسلامی و مذاهب پنج‌گانه است. زیرا آیات قرآن کریم و نص صریح رسول گرامی اسلام (ص) که مورد پذیرش مذاهب پنج‌گانه است، بر امر ازدواج تأکید می‌کنند. بنابراین اسلام به زندگی انسان از زاویه وسیعی که تمام مصالح بشریت را با توجه به همه جنبه‌ها و هدف‌های زندگی که تکامل جسم و روان و بقای نسل انسان می‌باشد، نگرسته و با منطق واقع‌بینی با طرز شایسته‌ای احتیاجات او را در چارچوب یک زندگی دسته جمعی به شکلی تنظیم نموده و دستورالعمل حیات را به نحوی مقرر کرده است که به بهترین وجهی هدف از بقای نسل بشر تأمین گردد. به عنوان مثال در برخی آیات قرآن از فرزندداشتن به نیکی یاد شده است. جایی که قرآن کریم چنین بیان می‌کند: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؟» خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (۸).

از این منظر، ازدواج موضوعی کلی و فراگیر است که نفس انجام آن، عملی اخلاقی محسوب می‌شود. بنابراین ازدواج در زمره احکامی است که با در نظرگرفتن مصالح فردی و اجتماعی افراد و حفظ نهاد خانواده دنبال می‌شود. به عبارتی دیگر، ازدواج در زمره مقررات شرعی است که متضمن مصلحت اکید مردم است و اراده افراد بر خلاف جهت آن‌ها

نافذ نیست (۶). یکی از کسانی که از جهت اخلاقی بودن مقوله ازدواج از نکاح صغیره دفاع به عمل می‌آورد، علامه حلی است. ایشان در کتاب تذکره الفقهاء اشاره نمود که با توجه به جایگاه والای نکاح در اسلام و سیره نبوی، عقد نکاح دختر صغیره لازم است (۹).

۲- نکاح صغیره و جلوگیری از فساد

استدلال دیگری که در دفاع از نکاح صغیره مطرح می‌شود، جلوگیری از فساد و رفتارهای فسادانگیز جنسی در میان دختران است. بدین معنا که ازدواج می‌تواند باعث جلوگیری از تسری ناپهنجاری‌های جنسی در میان دختران و کودکان شود. بر همین اساس، آموزه‌های اسلامی با دفاع از اخلاق فردی و اجتماعی و جلوگیری از بروز مفسده و همچنین دفع آن، بر ضرورت ازدواج صغیره در عقد نکاح تأکید می‌کنند. بدین معنا که در صورت نیاز صغیره به نکاح و وجود مصلحت در نکاح از جمله نگرانی از حیث زنا و یا ضرر و مفسده، تزویج صغیره از نظر حاکم مشکلی ندارد (۱۰). از این منظر، مصلحت صغیره، نکاح را ضروری می‌سازد، زیرا یکی از اهداف اخلاقی ازدواج، دوری از مفاسد و گرایش به زندگی سالم است. بنابراین اگر مصلحتی در این زمینه دیده می‌شود، از حیث اخلاق نکاح، اجتناب و دوری از مفسده است (۳). بدین معنا که صغیره نیز همانند سایر انسان‌ها دارای نیاز جنسی است و این نیاز جنسی ممکن است با شدت و ضعف در آنان نیز دیده شود. بدین ترتیب در صورتی که مصلحت بر نکاح صغیره از حیث نیاز جنسی احساس شود، ضروری است، زیرا که با ترک آن، مفسده‌ای ایجاد می‌شود (۱۱). برخی دیدگاه‌های مطرح‌شده در نزد علما و اندیشمندان اسلامی نشانگر حمایت آنان از نکاح صغیره است، از جمله قرطبی در جامع الاحکام القرآن (۱۲) و فخر رازی در تفسیر الکبیر (۱۳) نیز به همین مسأله اشاره می‌کنند و نکاح صغیره را به دلیل آنکه موافق سنن و احکام اسلامی است، مجاز می‌دانند. استدلال‌های موافقان نکاح صغیره غالباً با در نظرگرفتن حمایت از اصل ازدواج و جلوگیری از بروز مفسده میان جوانان و آحاد جامعه دنبال می‌شود.

هرچند در این راستا، صغیره نیازمند راهنمایی و هدایت از سوی دیگران از جمله پدر و یا حاکم است و ازدواج وی منوط

به اذن والدین نیز می‌باشد. در راستای نیاز صغیره به راهنمایی و سرپرستی، برخی از فقها بر این عقیده هستند هنگامی که این شرط برای پدر و جد پدری وی جایز است، برای حاکم نیز جایز است. از این حیث تزویج صغیره از نظر فقه‌های اسلامی برای حاکم نیز مجاز است (۱۴). اذن پدر و یا حاکم در مسأله نکاح صغیره نشان می‌دهد که امر ازدواج از چنان اهمیتی برخوردار است که موافقان آن، تلاش می‌کنند تا حتی با وجود نیاز به راهنمایی و سرپرستی صغیره، وی را به امر ازدواج ترغیب نمایند. استدلالی که به عنوان پشتوانه این دیدگاه مطرح می‌شود، این است که صغیره به دلیل سن پایین و موقعیت فردی و اجتماعی که در آن قرار دارد، همانند یتیمی است که نمی‌توان وی را بدون مشورت رها نمود.

۳- بقای نسل و تداوم جمعیت

اصل اخلاقی دیگری که در زمینه عقد نکاح صغیره دیده می‌شود، توجه به مؤلفه بقای نسل و ایجاد روحیه ازدواج در میان آحاد جامعه است. مؤلفه مزبور هرچند جامعه را به سمت ازدواج با صغیره تشویق نمی‌کند، اما با ملاک قراردادن بقای نسل و همچنین افزایش جمعیت مسلمانان، از عقد نکاح دفاع به عمل می‌آورد، زیرا هدف از ازدواج و زوج آفریده شدن تمام مخلوقات هستی بقای نسل بوده است، لذا خداوند، بشر را نیز زوج آفریده و هدف از ازدواج آنان را بقای نسل قرارداده است. بنابراین کسانی که از تولید نسل جلوگیری می‌کنند، خداوند متعال آن‌ها را از نعمت‌های خود بی‌بهره می‌گرداند، چون با وجود آنکه داشتن فرزند، خودش نعمت است، سایر انعام الهی را نیز برای والدین خویش جلب می‌کند. همانطور که در آیه شریفه چنین بیان شده است: «و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید، ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً کشتن آن‌ها گناه بزرگی است.»

مطابق این آیه شریفه، آن‌هایی که به خاطر فقر فرزندان خود را می‌کشند و یا از آمدن فرزند جلوگیری می‌کنند، خداوند به خاطر ناسپاسی، آن‌ها را نیز از سایر نعمت‌های خود بی‌بهره می‌گرداند. پس یکی از مواردی که باعث ایجاد مشکل گردیده است، سرپیچی از این دستور الهی است (۱۵). بنابراین از منظر اجتماعی، عقد نکاح صغیره، تکلیفی اجتماعی نیز

محسوب می‌شود که بر اساس آن، تکثیر نسل و بقای نسل را تضمین می‌کند و از این جهت، عمل به دستورات الهی نیز شمرده می‌شود، ضمن این که افزایش جمعیت مسلمانان باعث شکوه و عظمت مسلمانان می‌شود. بدین ترتیب از نظر طرفداران رشد جمعیت، خلقت و بقای نوع انسانی بر اساس رابطه شرعی تحقق می‌یابد. ازدواج شرعی مصالحی دارد که اهم آن حفظ نسل است. از این رو شارع مقدس به امر ازدواج اهتمام ورزیده است. ارتباط ازدواج با بقای نسل به بدهت عقلی روشن است. در برخی از منابع فقهی شیعه یکی از فضایل ازدواج را بقای نسل شمرده است (۱۵).

مسأله رضایت و آزادی صغیره نیز پشتوانه استدلالی دیگری برای موافقان ازدواج آنان محسوب می‌شود. بدین معنا هنگامی که صغیره با اختیار و آزادی و یا برحسب نیازهای فردی و اجتماعی، اقدام به ازدواج می‌نماید، نمی‌توان مانع تصمیم وی شد و امر ازدواج بر مبنای تصمیم و صلاحدید وی اتخاذ می‌شود. بنابراین معیار اخلاقی دیگری که بر شرایط عقد نکاح صغیره وجود دارد، رضایت صغیره است. با این استدلال که در عقد نکاح در اسلام، رضایت و عدم کراهت وی به عنوان یک ضرورت اساسی در نظر گرفته می‌شود، چه این که از منظر آموزه‌های اسلامی و فقه شیعی، انجام نکاح به صورت اجباری و بدون رضایت صغیره، مطرود و باطل است (۱۵). بنابراین اصل رضایت به عنوان شرط اساسی عقد نکاح برای صغیره نیز ساری و جاری است و هنگامی که صغیره بنا بر دلایلی از جمله دلایل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به ازدواج اقدام می‌کند، نمی‌توان ممانعتی برای وی ایجاد نمود.

مخالفتان نکاح صغیره

نکاح صغیره مخالفانی جدی نیز دارد، زیرا برخی بر این عقیده هستند که از جنبه‌های متعدد اخلاقی و شرعی نمی‌توان نسبت به نکاح صغیره که ازدواج کودکان و یا ازدواج در سنین پایین خوانده می‌شود، با دیده مثبت نگریست. استدلال‌های مخالفان نکاح صغیره شامل موارد زیر است:

۱- محرومیت از مزایای اجتماعی

دستیابی به مزایای اجتماعی و بهره‌مندی افراد جامعه، بخش مهمی از اصول اخلاقی حاکم بر زندگی اجتماعی است. بنابراین اخلاق حکم می‌کند که شرایط دستیابی و بهره‌مندی افراد از مزایای اجتماعی اعم از زن و مرد، به نحو برابری توزیع شود و یا در دسترس آنان قرار گیرد. از این حیث، ازدواج با صغیره می‌تواند این فرصت را از کودکان سلب نماید و از نظر اخلاقی مانع برقراری برابری و عدالت گردد. به عنوان مثال محروم‌ماندن کودکان به واسطه ازدواج زود هنگام می‌تواند باعث ترک تحصیل آنان شود و در نهایت آنان را از ویژگی‌های شخصیتی که به رشد خود و جامعه کمک می‌نماید، بازدارد (۱۶). بدین ترتیب از نظر اخلاقی، انجام نکاح صغیره می‌تواند باعث نابرابری در دستیابی به مزایای اجتماعی از جمله پیشرفت تحصیلی، پرورش روحی و روانی آنان شود و آنان را در سنین پایین با مشکلات و چالش‌های دشوار زندگی زناشویی رو به رو سازد.

علاوه بر این، مسائل و چالش‌های پس از ازدواج صغیره، مشکلات گسترده‌ای نیز پدید می‌آورند که از جنبه‌های مختلف می‌تواند تهدیدکننده عدالت اخلاقی باشد. توضیح این که به دلیل ازدواج در سنین پایین، برخی مشکلات اجتماعی از جمله طلاق می‌تواند دامن‌گیر صغیره گردد، زیرا هنوز درک عمیقی از روابط زناشویی، نحوه مواجهه با چالش‌های زندگی و همچنین شرایط لازم برای پرورش فرزند در نزد صغیره وجود ندارد و از این حیث ممکن است پس از گذشت زمان اندکی به علت ناتوانی در اداره زندگی، به سمت طلاق و جدایی روانه شوند (۱۷). در همین راستا، اخلاق حاکم بر نکاح نیز بر مسأله انتخاب و آگاهی زنان تأکید می‌کند. بدین معنا کسانی که اقدام به ازدواج می‌کنند، می‌بایست بر مبنای شناخت طرف مقابل، موقعیت‌های زندگی و همچنین شرایط مناسب برای زیستن مطلوب را داشته باشند. بنابراین ازدواج صغیره می‌تواند از حیث اخلاقی در تعارض با حقوق زن در زمینه آزادی و انتخاب حقیقی آنان باشد (۱۸). بنابراین ازدواج صغیره تفاوت چندانی با ازدواج اجباری ندارد و از این رو نمی‌تواند عملی اخلاقی و مبتنی بر آگاهی و انتخاب راستین آنان تلقی شود.

۲- نکاح صغیره و دشواری تکالیف زناشویی

اصل «تکلیف مالا یطاق» به عنوان یکی از اصول شریعت که بر مبنای عقلانی بیان شده است، نوعی مساعدت به زوجه در راستای شرط تعدیل تمکین محسوب می‌شود. بدین معنا که «تکلیف بما لا یطاق» به تکلیف کردن به امر خارج از طاقت مکلف اطلاق می‌شود. تکلیف بما لا یطاق، تکلیفی است که تحمل آن از حدود قدرت و توانایی مکلف خارج می‌باشد. به بیان دیگر، انجام آن برای مکلف یا بسیار دشوار و رنج‌آور و یا محال عادی و عقلی است، مثل تکلیف به وجوب روزه برای مریض در حالی که قادر به انجام آن نیست و یا تکلیف انسان به پرواز کردن. مستند شرعی این حکم نیز در کلام خداوند متجلی است: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعًا؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند» (۸). بر اساس همین حکم شرعی می‌توان استدلال کرد که انجام وظایف زناشویی به صورت تمام و کمال، امری است که خارج از توان صغیره قرار دارد و از این جهت تناسبی میان حقوق و تکالیف دیده نمی‌شود، زیرا یکی از اصول اخلاقی در نکاح، برقراری تناسب میان حقوق و تکالیف است، زیرا نمی‌توان وظایف دشوار و حساسی، از جمله تدبیر امور خانه، فرزندآوری، تمکین در برابر خواسته‌های زوج و از همه مهم‌تر تربیت فرزند را به عهده صغیره واگذار نمود.

علاوه بر این، معیار اخلاقی دیگری که بر عقد نکاح صغیره وجود دارد، توجه به مسأله سرپرستی و راهنمایی وی است. بدین معنا که صغیره در امور مختلفی از جمله تغذیه و رشد، آموزش و تربیت، مسائل مالی و اقتصادی، رفع نیازهای جسمی و جنسی و همچنین انجام امور فردی و اجتماعی خویش نیازمند هدایت و راهنمایی است (۱۹). بنابراین چنین هدایتی در مسأله عقد نکاح که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تصمیمات در زندگی افراد از جمله صغیره است، مصداق دخالت در زندگی شخصی وی تلقی می‌گردد و بهانه را برای مداخلات افراد مختلف در زندگی خصوصی افراد فراهم می‌آورد که خود نافی اصل «حریم خصوصی» می‌باشد و از این جهت نمی‌تواند اخلاقی تلقی شود.

به نظر می‌رسد نکاح صغیره از جهت دیگری نیز می‌تواند ناقض اصول اخلاقی باشد، از جمله این‌که سن پایین آنان و عدم یادگیری شیوه مناسب زندگی زناشویی و ناتوانی در بسیاری از امور، مسأله سرپرستی و هدایت آنان را مهم جلوه می‌دهد. به همین دلیل، فقهای شیعه تزویج صغیره را با هر ادله و استدلالی که شامل مصلحت نیز باشد، نمی‌پذیرند. به عبارتی دیگر، نمی‌توان گفت به این دلیل که صغیره در دوران کودکی به عقد درآمده است، پس از آن اختیار باطل کردن عقد را ندارد، زیرا از نظر اخلاق اسلامی آنچه حائز اهمیت است، حفظ عزت و کرامت نوع «زن» در جامعه است. از این منظر، برخی فقها چنین بیان می‌کنند که حتی اگر مصلحت صغیره آن‌چنانکه عرف و شرع مد نظر دارد، رعایت نگردد، ازدواج از اصل باطل است (۲۰). مهم‌ترین مصالح صغیره در واقع نداشتن قدرت تصمیم‌گیری و نداشتن آینده‌ای روشن از زندگی مشترک است که نمی‌تواند تکالیفی بالاتر از توانایی‌های خود انجام دهد. بر این اساس، نکاح صغیره یکی از تکالیف دشواری است که سازگاری چندانی با اخلاق زیستی ندارد، زیرا شرایط سنی و اجتماعی وی حاکی از نداشتن تجربه و آمادگی کافی برای پذیرش این مسؤولیت پیچیده و دشوار است.

۳- عدم شناخت حقوق باروری و سلامت صغیره

تکلیف دشوار برای صغیره به نوبه خود، چالش اخلاقی دیگری پدید می‌آورد، چه این‌که صغیره به دلیل قرارگرفتن در موقعیت زن خانواده، به دلیل عدم توانایی در اداره زندگی و عدم شناخت نسبت به امور بهداشت فردی، از انجام امور مربوط به سلامت خویش ناتوان است. یکی از این حقوق خاص، حقوق باروری زنان است که عدم آگاهی نسبت به ابعاد مختلف آن می‌تواند زندگی را برای وی و زوج نیز دشوار نماید. از این جهت، نمی‌توان از منظر اخلاقی، نسبت به نکاح صغیره با دیده مثبت نگریست. از آنجایی که بهداشت و سلامت جنسی زنان ارتباط گسترده‌ای با پرورش فرزندان پیدا می‌کند، حفظ سلامت صغیره در نکاح و همچنین پرداختن به حقوق خاص وی در این زمینه، مصداق بارز حقوق زنان است که نادیده‌گرفتن آن، می‌تواند ضد اخلاق تلقی گردد. به علاوه

این‌که، صغیره در صورتی که به عقد نکاح دربیاید، مسؤولیت سلامت خویش، فرزند و خانواده خویش را نیز بر عهده می‌گیرد و قصور در این مسأله می‌تواند تبعات اخلاقی نامطلوبی به دنبال داشته باشد. بنابراین بی‌توجهی به سلامت نکاح صغیره و نادیده‌گرفتن حقوق وی در این زمینه، بی‌توجهی به حقوق زنان و نقض اصول اخلاقی خواهد بود (۲۱). آنچه از بررسی نکاح صغیره روشن می‌شود، این‌که دختران در این سن پایین توانایی بر عهده‌گرفتن چنین مسؤولیت‌های دشواری را ندارند و از این جهت اجبار برای پذیرش چنین نقش دشواری منجر به تضییع حقوق آنان خواهد شد.

با این حال، مخالفان نکاح صغیره برخی اصول مهم اخلاقی را در مباحث خود مطرح می‌کنند که نشانگر ناسازگاری نکاح صغیره با اصول اخلاقی است که در اینجا به برخی از این استدلال‌ها پرداخته می‌شود.

استدلال‌های اخلاقی در مخالفت با نکاح صغیره

با توجه به مطرح‌شدن دیدگاه‌های موافقان و مخالفان درباره نکاح صغیره، می‌توان استدلال‌های اخلاقی دیگری مطرح کرد که در چارچوب آن، نکاح صغیره را از جهات اخلاقی صحیح نمی‌داند. بنابراین هم از منظر سلبی و هم از نظر ایجابی، رویکردهایی مطرح می‌شوند که از منظر اخلاقی به نکاح صغیره می‌پردازند و در قالب اصول فردی و اجتماعی نیز مطرح می‌شوند.

۱- نکاح صغیره و مغایرت با برابری و استقلال زنان

ازدواج زودهنگام دختران و یا نکاح صغیره از یک جهت دیگری نیز ناقض اخلاق حقوق بشری است و عدالت را نادیده می‌گیرد. به این دلیل که سن پایین دختران مانع از تصمیمات مستقل آنان در حوزه زندگی زناشویی می‌شود. به عبارتی، اگر فاصله میان زوج و زوجه به دلیل پایین‌بودن سن زوجه زیاد باشد، قدرت اقتصادی پایین، وابسته‌بودن به زوج و فقدان آگاهی و شناخت صغیره، آثار نامطلوبی پیرامون تصمیمات جنسی وی می‌گذارد و وی را در شرایط نابرابری از حیث اخلاقی قرار می‌دهد (۱۸). این امر نیز از نظر اخلاقی در تعارض با اصل کرامت زنان و زندگی اخلاقی و توأم با مودت

۲- نکاح صغیره؛ اختیار و آزادی زنان

ازدواج در سنین پایین از یک جهت می‌تواند باعث سلب اختیار و آزادی دختران گردد، زیرا بهره‌مندی از برابری و آزادی نیازمند حق اظهار نظر درباره مسائل مختلف اعم از انتخاب همسر، سلامت و روابط جنسی و آگاهی از شرایط زندگی مشترک است. بنابراین بی‌توجهی به این موارد به معنای سلب اختیار دختران از ازدواج خود، سلامت و حقوق باروری و حقوق جنسی آنان است (۲۳). از این جهت نکاح صغیره از حیث اخلاقی نمی‌تواند قابل دفاع باشد و حتی رویه نامناسبی در جامعه تلقی می‌شود که می‌تواند اخلاق اجتماعی را نیز در معرض تهدید قرار دهد. نکاح امری مهم و دارای آثار گسترده در حوزه‌های مختلف است که عدم توجه به رضایت حقیقی صغیره با این استدلال که توانایی تشخیص خوب و بد را ندارد، نمی‌تواند قابل دفاع باشد.

به علاوه اگر معیارهای جهانی برای سن ازدواج مطرح باشد، برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک، سن ازدواج دختران را ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. از نظر این کنوانسیون، ازدواج زودهنگام، ازدواجی است که در سنین زیر ۱۸ سال صورت گرفته باشد (۲۴)، هرچند در برخی دیگر از کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، ازدواج زیر ۱۵ سال به عنوان ازدواج زودهنگام شناخته شده است. در هر صورت با توجه به موارد ذکر شده، سن ازدواج هرچند تحت تأثیر شرایط سیاسی، اقتصادی و مخصوصاً اجتماعی - فرهنگی هر جامعه‌ای قرار دارد، اما این ملاک نباید به گونه‌ای باشد که صدمات جنسی، جسمی و روحی بر دختران وارد سازد، در صورتی که این اتفاق پیش بیاید، می‌توان از غیر اخلاقی بودن ازدواج دختران و نقض اصول اخلاقی سخن به میان آورد.

۳- فقدان آگاهی پزشکی و حقوق سلامت

یکی دیگر از تهدیداتی که با نکاح صغیره پدید می‌آید، فقدان آگاهی و تصمیم‌گیری در حیطه سلامت فردی وی است، زیرا کودک به دلیل عدم مواجهه با برخی مسائل و همچنین نداشتن تجربه کافی، اطلاعات پزشکی مناسبی برای اداره زندگی خود ندارد. به عنوان مثال ممکن است به دلیل

آنان در خانواده است، زیرا بررسی آیات قرآنی نیز نشان می‌دهد که رابطه مودت و سرشار از محبت و حفظ حقوق زنان، پایه اساسی زندگی مشترک و مطلوب است. بر همین اساس، ازدواج، امری برای تسکین و ایجاد روابط مودت‌آمیز در میان افراد جامعه و زوجین است که فقدان این حس و تجربه به معنای نابودی اخلاق زندگی زناشویی است. بنابراین اگر ازدواج صغیره باعث تهدید این رابطه مودت‌آمیز گردد، نمی‌تواند حامی اخلاق فردی و خانوادگی تلقی شود. آیه شریفه به خوبی این رابطه را تشریح می‌کند. جایی که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (۸).

فقدان آزادی حقیقی صغیره و نداشتن آگاهی نسبت به آینده زندگی مشترک نوعی نقض اخلاقی محسوب می‌شود که اصل آزادی به عنوان یکی از اصول حقوق بشر را زیر سؤال می‌برد. بدین معنا اگر در عقد نکاح، تحمیل شوهر به صغیره با شتاب‌زدگی و برخلاف اخلاق اسلامی و عرف انجام گیرد، منافی اخلاق تلقی می‌شود و از این جهت نیز می‌تواند خانواده را به مأمنی برای زوجین تبدیل نماید و یا باعث سعادت زوجین گردد، حتی بیم آن است که دور شدن زوجین به سبب نکاح صغیره، باعث بروز نامهربانی و برهم‌زدن کانون خانواده گردد. همانطور که در حدیثی از امام صادق (ع) نیز به این مسأله اشاره شده است از ایشان سؤال شده بود: «ما فرزندان خود را در سن طفولیت تزویج می‌نمایم. امام صادق (ع) در پاسخ فرمودند: در این صورت بعید است که با هم انس بگیرند و با یکدیگر مهربان باشند» (۲۲). بنابراین اخلاق شرعی حکم می‌کند که اصل نکاح، آفریننده آرامش و آسایش برای زوجین از جمله دختران باشد و هنگامی که این مسأله، تکلیفی گسترده برای صغیره ایجاد می‌کند که از انجام آن ناتوان است، نمی‌توان از آن دفاع نمود، همچنانکه می‌تواند مصداق تکلیف دشوار برای آنان تلقی شود.

عدم اطلاع صغیره از روش‌های جلوگیری از بارداری، حاملگی‌های ناخواسته رخ دهد و بعداً سقط‌های غیر قانونی را به دنبال داشته باشد که خود زمینه‌ساز بیماری‌های جنسی و جسمی برای صغیره است (۲۵). بنابراین وجود چنین معضلاتی نافی اصول اخلاقی و زینانی آشکار برای حوزه زندگی فردی و اجتماعی تلقی می‌شود، زیرا صغیره به واسطه بیماری‌های مقاربتی و آسیب‌های ناشی از حاملگی ناخواسته در معرض تهدیدات جسمی و روحی فراوانی است که در نهایت اصول اخلاقی را نیز پایمال می‌کند. علاوه بر این، فقر اطلاعات و آگاهی صغیره نمی‌تواند از نظر اخلاقی قابل دفاع باشد، زیرا اداره زندگی فردی و مواجهه با مسائل و معضلات بارداری و روابط جنسی نیازمند آگاهی، تصمیم‌گیری مناسب و به موقع است و فقدان این موارد می‌تواند تهدیدی برای سلامت فردی و اجتماعی صغیره تلقی شود که از نظر اخلاقی نیز نمی‌تواند قابل دفاع باشد. با توجه به ناتوانی دختران در سنین پایین و عدم اطلاع از شیوه‌های روابط جنسی، مسأله «تربیت جنسی» دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. این رویکرد می‌تواند تحت تأثیر آموزه‌های دینی ما نیز دنبال شود. همانطور که رسول گرامی اسلام (ص) بیان می‌کند: «بنایی در اسلام، محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست» (۲۶). به نظر می‌رسد این حدیث، عمل ازدواج را عملی خردمندانه تلقی می‌کند که نیازمند آگاهی و تربیت جنسی دقیق و متناسب با سن و شخصیت زنان است، زیرا محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد خداوند نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای دقیقی است که حدود شرع را در نظر داشته باشد و نمی‌توان با استدلال‌های غیر اخلاقی، محبوب‌ترین بنای خداوندی را متزلزل ساخت.

۴- خطر فوت و بیماری مادران

ازدواج در سنین پایین می‌تواند باعث شکل‌گیری زایمان زودرس نیز شود. بدین معنا ازدواج زودرس، حتی باعث افزایش بیماری‌هایی نظیر فشار خون در زنان، آسیب به رحم آنان و ناتوانی در حمل بچه می‌شود. بنابراین در این زمینه نیز توصیه اخلاقی این است که پیشگیری از زایمان زودرس، حتی به بهترین درمان‌ها ترجیح داده می‌شود (۲۷). به لحاظ سلامت جسمی و جنسی نیز استدلال می‌شود که بارداری زودرس

ممکن است باعث خونریزی شدید و عفونت در زنان شود که از این جهت، وضعیت مرگ‌آوری در موضوع نکاح صغیره پدید می‌آورد و ممکن است باعث ایجاد بیماری پره اکلامپسی گردد که خود تشکیل‌دهنده مرگ و میر مرتبط با حاملگی است (۲۸). بدین ترتیب باید گفت خطرات ناشی از نکاح صغیره تنها مربوط به دوران ازدواج و نبود اطلاعات درباره انتخاب همسر و اداره زندگی فردی و خانوادگی نیست، بلکه فقدان آگاهی در زمان بارداری و پس از آن، غالباً ممکن است باعث مرگ و میر آنان در سنین پایین شود که در واقع نمی‌تواند از حیث اخلاقی قابل پذیرش باشد. علاوه بر این، مرگ و میر مادران در سنین پایین، هزینه‌های مادی، جسمی و روانی متعددی را به فرد و جامعه تحمیل می‌کند (۲۹). به علاوه در مسأله خطر فوت و بیماری صغیره، نکاح صغیره نه تنها از نظر وضعیت روحی، بلکه در پاره‌ای از مواقع به دلیل وضعیت جسمی نیز می‌تواند به دختران آسیب برساند، زیرا برقراری روابط جنسی و بر عهده‌گرفتن این نقش نیازمند دارا بودن شرایط جسمی مناسبی است که غالباً در دختران با سنین پایین دیده نمی‌شود. از این منظر می‌توان استدلال کرد که دختران برای بر عهده‌گرفتن این تکلیف، تکامل نیافته هستند و این مسأله می‌تواند عواقب تهدیدآمیزی برای سلامتی آنان در پی داشته باشد. بنابراین زنان در این مرحله با خطرهای جسمی، تکاملی و اجتماعی مواجه می‌شوند (۳۰). طبیعی است که مواجهه شدن صغیره با این شرایط پیچیده باعث سخت‌تر شدن زندگی فردی و اجتماعی وی خواهد شد و از این نظر نیز نمی‌تواند پشتوانه‌ای اخلاقی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نکاح صغیره هرچند دارای موافقانی است، اما از حیث فردی و اجتماعی آثار نامطلوب متعددی بر صغیره می‌گذارد. مخالفان نکاح صغیره استدلال‌های خاص خود را مطرح می‌کنند که از جمله می‌توان ناسازگاری اصول اخلاق فردی و جمعی را با عقد نکاح، حائز اهمیت دانست، از جمله در حوزه‌های حقوق بشری می‌تواند ناقض اصول اخلاقی نظیر عدالت و برابری زنان باشد، چه این که عقد نکاح صغیره با

توجه به این که در شرایط نابرابر و عدم رشد عقلانی و آگاهی واقعی دختران انجام می‌شود، باعث سلطه مردان بر زنان می‌شود.

از طرفی دیگر، نکاح صغیره، دختران را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد که خارج از تکلیف و توان آنان است و قدرت چانه‌زنی و تصمیم‌گیری صغیره را در امور مختلف نادیده می‌گیرد. درباره اصل آزادی نیز باید گفت نکاح صغیره به دشواری می‌تواند بر مبنای اراده آزاد وی صورت گیرد، زیرا شرایط سنی و موقعیت اجتماعی وی به گونه‌ای است که معیار مناسبی برای انتخاب همسر مناسب ندارد و از این جهت ممکن است در کوتاه‌ترین زمان وارد دشواری‌های زندگی زناشویی گردد. همچنین نکاح صغیره به دلیل نادیده‌گرفتن نقش تربیتی و پرورشی مادر، کانون خانواده و حتی اجتماع سالم را نیز تهدید می‌کند و سلامت اخلاقی جامعه را با پرورش نادرست فرزندان در معرض خطر قرار می‌دهد. بدین معنا که صغیره از آگاهی، دانش و تجربه کافی برای اداره زندگی و تربیت فرزندان خود برخوردار نیست و نادیده‌گرفتن این مسأله خسران اخلاقی محسوب می‌شود. از منظر سلامت و حقوق پزشکی نیز، نکاح صغیره ممکن است باعث بروز بیماری‌های حین ازدواج، دوران بارداری و پس از آن شود که غالباً به دلیل عدم آگاهی آنان از مسائل جنسی و عدم شناخت نسبت به چگونگی در امر بارداری و نگهداری از خود و فرزندان رخ می‌دهد.

References

1. Amid H. Amid Dictionary. 4th ed. Tehran: Amir Kabir Publications Institute; 1995. p.110, 747. [Persian]
2. Imami H. Civil Rights. Tehran: Al-Islamyyia Publications; 2010. p.268. [Persian]
3. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Vasileh. Qom: Pulisher Darolelm; 1987. Vol.2 p.12; Vol.4 p.171.
4. Ibn Babawaih M. Man La Yahduruhu al-Faqih. Qom: Publications Islamieh; 1996.
5. Imami H. Civil Rights. Tehran: Publisher al-Islamyyia; 2012. p.268.
6. Jaafari Langaroodi MJ. Law Terminology. Tehran: Publisher Ganj-e Danesh; 2009. p.12.
7. Nouri Hamadani H. The place of Women in Islam. Qom: Publisher Mahdi mowood (A); 2003. Vol.1 p.92.
8. The Holy Quran. Naba: 8; Fater: 11; Nahl: 72; Maedeh: 1; Baghareh: 286; Anaam: 152; Baghareh: 223.
9. Helli AY. Tazkorat al-Foghaha. Qom: Publisher Al al-Beit; 1994. Vol.2 p.856.
10. Saadi JA. Aghdol-Jawaher. Beirut: Publisher Darolgarb; 2003. Vol.2 p.23.
11. Lankarani MF Tafzil al-Sharieh in Explain Tahrir al-Vasile. Qom: Publisher Center Aemeh Athar; 2005. p.25.
12. Ghertabi MA. Quran Jame al-Ahkam. Beirut: Publisher Dar al-Ehya al-Terath al-Arabieh; 1965. Vol.18 p.165.
13. Razi EF. Great Interpretation. Beirut: Dar al-Ehya al-Terath al-Arabieh Publisher; 1991. Vol.30 p.35.
14. Sarakhsi MA. Al-Mabsot. Beirut: Publisher Dar ol-Maarfah; 1993. p.221.
15. Shobeiri Zanjani M. Marriage Book. Qom: Publisher Raypardaz; 1999. p.47.
16. Meghdadi MM, Javadpour M. Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It. *Civil and Political Journal* 2017; 11(2017): 31-60. [Persian]
17. Eftekharadeh Z. Womens lived experience in early marriage. *Journal Social Work* 2015; 3(1): 110-159. [Persian]
18. Lotfi R. Health Consequences of early marriage in women. *Journal Women and Health* 2010; 2(1): 67-80. [Persian]
19. Elmi Sola MR, Mohamadian A. Fundamentals of the Prohibition of permission from an immature Wife in Imami Jurisprudence. *Civil and Political Journal* 2013; 16(62): 179-210. [Persian]
20. Nouri Hamadani H. On Thousand and one Jurisprudential Issues. Qom: Publisher Islamic Advertising; 2009. p.100. [Persian]
21. Abdi Y, Ketabiroodi A. The Position of Right to Health in Islam and International Law. *Journal Social Security Quarterly* 2015; 4(44): 101-127. [Persian]
22. Hor Ameli. M.H. Vasael Al-Shieh. Beirute: Daralehya Alterath Al-Arabia. 1998. 7. P 116.
23. Myers J, Harvey R. Breaking Vows: Early and Forced Marriage and Girls' Education. London: Published International UK; 2011. p.17.
24. Ahmadi K. Resonance of Silence. Comperhensive research in early Child marriage in Iran. Tehran: Publisher Shirazeh; 2017. p.66. [Persian]
25. Coelho FM, Pinheiro R, Silva R. Quevedo Lde Á, Souza LD and etch. Major depressive disorder during teenage pregnancy: Socio- demographic, obstetric and psychosocial correlates. *Rev Bras Psiquiatr* 2013; 35(1): 6-51.
26. Majlesi MB. Bahar al-Anvar. Tehran: Islamia Publications; 1361. Vol.3 p.31.
27. Beigi A, Taheri N, Norouzi HR. Prevalence of preterm laboer, Risk factors and neonatal Conwequences. *Journal Medical University Tehran* 2013; 3(71): 193-198. [Persian]
28. Cuningham FG, Hauth CJ, Leveno JK. Hypertensive disorders: Williams's obstetrics. New York: Publisher Mccraw-Hill; 2005. p.17.
29. Charlton B, Corliss H, Missmer S, Rosario M, Spiegelman D, Austin S. Sexual orientation differences in teen pregnancy and hormonal contraceptive use: an examination across 2 generations. *Journal Obstet Gynecol* 2013; 209(3): 8-204.
30. Kazemipour SH. Evolution of Womens marriage age in Iran and demographic Factors affecting it. *Women's Research Journal* 2004; 3(2): 103-124. [Persian]